****

[بررسی انتهاء ایام ذبح 1](#_Toc489872745)

[قول مشهور: وجوب تکلیفی ذبح در ایام تشریق و رخصت وضعی تا آخر ذیحجه 1](#_Toc489872746)

[مناقشه 1](#_Toc489872747)

[روایتی که روز سیزدهم را داخل ایام تشریق نمیداند 3](#_Toc489872748)

[اختصاص شرطیت ذبح در منی، به عالم یا جاهل مقصر 6](#_Toc489872749)

[مناقشه 6](#_Toc489872750)

[کلامی از محقق خویی: خروج از احرام قبل از ذبح 7](#_Toc489872751)

[مناقشه 7](#_Toc489872752)

**موضوع**: ذبح /اعمال منا /واجبات حج

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

## بررسی انتهاء ایام ذبح

بحث در این بود که ایام ذبح تا آخر ذی الحجة ادامه دارد یا نه؟

### قول مشهور: وجوب تکلیفی ذبح در ایام تشریق و رخصت وضعی تا آخر ذیحجه

مشهور وضعا قائل به ادامه زمان ایام ذبح تا آخر ذی الحجة شده اند، گرچه تکلیفا مبادرت به ذبح یوم النحر را واجب می دانند.

#### مناقشه

اما گفتیم روایات بر خلاف این نظریه است، مثل معتبره ابی بصیر است، اگر واقعا تسالم اصحاب باشد، فبها، و گرنه انصاف این است که ظاهر معتبره به عموم تعلیل این است که ایام ذبح، قبل از مضی ماه ذی الحجة تمام می شود که قدر متیقن این است که بعد از ایام تشریق، دیگری جایی برای ذبح نمی ماند.

در روایت دیگر از ابی بصیر که سندش ضعیف است، آمده: وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَحَدِهِمَا ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ تَمَتَّعَ فَلَمْ يَجِدْ مَا يُهْدِي- حَتَّى إِذَا كَانَ يَوْمُ النَّفْرِ وَجَدَ ثَمَنَ شَاةٍ- أَ يَذْبَحُ أَوْ يَصُومُ قَالَ بَلْ يَصُومُ- فَإِنَّ أَيَّامَ الذَّبْحِ قَدْ مَضَتْ.[[1]](#footnote-1)

یعنی مورد را مختص کرده به جایی که قبل ایام تشریق پول قربانی نداشته و روزه هم نگرفته، و لکن این مهم نیست، ان ایام الذبح قد مضت می گوید بعد ایام تشریق، مجالی برای ذبح نیست و اگر هم قبلا روزه نگرفته، باید بعد از آن روزه بگیرد.

قدر میتقن از یوم النفر نیز نفر خود این شخص یا نوع حجاج به سوی بلدان است.

روایتی که گفت اضحی، اربعة ایام بمنی است، متعارض با روایت ثلاثة است و لکن جمع عرفی این است که افضل این است که ذبح در منی در سه روز اول باشد و لکن توسعه دارد و تا روز چهارم نیز فرصت دارد.

این که مرحوم داماد اضحی را به اضحیه مستحبه معنا کرده، روایتی بر آن شاهد است و آن صحیحه حلبی می باشد: وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْحَلَبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ النَّفَرِ تُجْزِيهِمُ الْبَقَرَةُ- قَالَ أَمَّا فِي الْهَدْيِ فَلَا وَ أَمَّا فِي الْأَضْحَى فَنَعَمْ.[[2]](#footnote-2)

ولی این هم دلیل نیست، زیرا در این جا قرینه تقابل وجود دارد ولی دلیل نمی شود که ظهور اضحی بقول مطلق، در اضحیه مستحبه باشد، خصوصا که متعارف از ذبح در منی، ذبح واجب است.

لذا ما ایام ذبح در منی را چهار روز می دانیم، مگر تسالم بر خلاف آن ثابت شود، کما این که وجهی ندارد که بگوییم مقصود از اضحی، صوم فی الاضحی است، یعنی گفته شود صوم در اضحی که ممنوع است، در منی چهار روز است و در غیر منی، سه روز است، این مطلب بلاوجه و تکلف است و قرینه ای ندارد.

### روایتی که روز سیزدهم را داخل ایام تشریق نمیداند

اما روایتی که ایام تشریق را بر روز دهم و یازدهم و دوازدهم تطبیق کرده بود و آیت الله زنجانی آن را مطرح فرمود، ظاهرش همین است که روز سیزدهم جزء ایام تشریق نیست، و لکن قابل التزام نیست، چون واضح بوده که ایام تشریق سه روز بعد از یوم النحر است، روایت چنین است: وَ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي رَجُلٍ كَانَ عَلَيْهِ صَوْمُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ فِي ظِهَارٍ- فَصَامَ ذَا الْقَعْدَةِ وَ دَخَلَ عَلَيْهِ ذُو الْحِجَّةِ كَيْفَ يَصْنَعُ- قَالَ يَصُومُ ذَا الْحِجَّةِ كُلَّهُ إِلَّا أَيَّامَ التَّشْرِيقِ- ثُمَّ يَقْضِيهَا فِي أَوَّلِ يَوْمٍ مِنَ الْمُحَرَّمِ حَتَّى يُتِمَّ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ- فَيَكُونَ قَدْ صَامَ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ- ثُمَّ قَالَ وَ لَا يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يَقْرَبَ أَهْلَهُ- حَتَّى يَقْضِيَ الثَّلَاثَةَ أَيَّامِ التَّشْرِيقِ الَّتِي لَمْ يَصُمْهَا- وَ لَا بَأْسَ إِنْ صَامَ شَهْراً- ثُمَّ صَامَ مِنَ الشَّهْرِ الَّذِي يَلِيهِ أَيَّاماً ثُمَّ عَرَضَتْ عِلَّةٌ- أَنْ يَقْطَعَهُ ثُمَّ يَقْضِيَ بَعْدَ تَمَامِ الشَّهْرَيْنِ.[[3]](#footnote-3)

اگر روایت می خواهد بگوید که مظاهر روز دهم روزه بگیرد، بر خلاف سه روز بعد و اگر می خواهد بگوید که ایام تشریق روز دهم و یازدهم و دوازدهم است، خلاف متسالم است و لذا احتمال می رود که عدم جواز روزه یوم النحر را مفروغ گرفته است و لذا می گوید سه روز بعد هم روزه صحیح نیست و باید قضاء شود.

و گرنه روایات مسلم گرفته که روز سیزدهم، داخل در ایام تشریق است: وَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ‌ بِنَهَارٍ أَبَداً- حَتَّى يَقُومَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ ص- فَدَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فَسَأَلْتُهُ فَقَالَ صُمْ إِذاً يَا كَرَّامُ- وَ لَا تَصُمِ الْعِيدَيْنِ وَ لَا ثَلَاثَةَ التَّشْرِيقِ- وَ لَا إِذَا كُنْتَ مُسَافِراً وَ لَا مَرِيضاً الْحَدِيثَ.[[4]](#footnote-4)

... وَ رَجَعَ إِلَى مِنًى فَأَقَامَ بِهَا حَتَّى كَانَ الْيَوْمُ الثَّالِثُ مِنْ آخِرِ أَيَّامِ التَّشْرِيقِ ثُمَّ رَمَى الْجِمَارَ وَ نَفَرَ حَتَّى انْتَهَى إِلَى الْأَبْطَحِ ... [[5]](#footnote-5)

وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عِيسَى عَنْ غَيْلَانَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ ع عَنِ التَّكْبِيرِ فِي أَيَّامِ الْحَجِّ- مِنْ أَيِّ يَوْمٍ يَبْتَدِئُ بِهِ- وَ فِي أَيِّ يَوْمٍ يَقْطَعُهُ- وَ هُوَ بِمِنًى وَ سَائِرِ الْأَمْصَارِ سَوَاءٌ أَوْ بِمِنًى أَكْثَرُ- فَقَالَ التَّكْبِيرُ بِمِنًى يَوْمَ النَّحْرِ- عَقِيبَ صَلَاةِ الظُّهْرِ إِلَى صَلَاةِ الْغَدَاةِ مِنْ يَوْمِ النَّفْرِ- فَإِنْ أَقَامَ الظُّهْرَ كَبَّرَ- وَ إِنْ أَقَامَ الْعَصْرَ كَبَّرَ- وَ إِنْ أَقَامَ الْمَغْرِبَ لَمْ يُكَبِّرْ- وَ التَّكْبِيرُ بِالْأَمْصَارِ يَوْمَ عَرَفَةَ- صَلَاةَ الْغَدَاةِ إِلَى النَّفْرِ الْأَوَّلِ صَلَاةَ الظُّهْرِ- وَ هُوَ وَسَطُ أَيَّامِ التَّشْرِيقِ.[[6]](#footnote-6)

لذا قدر متیقن از یوم النفر، روز نفر از مکه به سوی بلاد است که عادتا بعد از روز چهاردهم بوده است و اگر هم اجمالی داشته باشد، الاضحی بمنی اربعة ایام، رافع اجمال است و لولا تسالم اصحاب، وجهی برای جمع حکمی و حمل بر تعدد مطلوب نیست، بلکه می گوییم بعد از ایام تشریق، وضعا و تکلیفا، زمان ذبح منقضی می شود، مگر نسبت به همان استثنائی که در صحیحه حریز مطرح شد.

ترک استفصال در جواب در صورتی که احتمال بدهیم سوال برای ما مجمل است، اما برای عرف آن زمان اجمالی نبوده و یا در نقل به معنا، اجمال حاصل شده است، مفید اطلاق نیست و نمی توان به ترک استفصال تمسک نمود و در این جا نیز شاید واضح بوده که یوم النفر به بعد از سیزدهم اختصاص دارد.

مطلب دیگر

## اختصاص شرطیت ذبح در منی، به عالم یا جاهل مقصر

آیت الله سیستانی فرموده شرطیت مطلق در منی، مختص به عالم یا جاهل مقصر است، اما اگر کسی از روی نسیان یا جهل قصوری در خارج منی ذبح کند، مجزی است، ولو در ایام تشریق ملتفت یا عالم شود.

### مناقشه

اشکال ما این است که اگر می گویید السنة لاتنقض الفریضة و اخلال به شرطیت ذبح در منی، سنت است، این بر خلاف روایاتی است که آیه را تفسیر می کند و فرموده و محله منی و لاتحلقووا رووسکم حتی یبلغ الهدی محله[[7]](#footnote-7) و اگر به روایت صحیحه تمسک کرده اید: وَ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي رَجُلٍ نَسِيَ أَنْ يَذْبَحَ بِمِنًى حَتَّى زَارَ الْبَيْتَ- فَاشْتَرَى بِمَكَّةَ ثُمَّ ذَبَحَ قَالَ لَا بَأْسَ قَدْ أَجْزَأَ عَنْهُ.[[8]](#footnote-8)

به این تقریب که مورد آن، ذبح خارج منی از روی نسیان است و طبعا نسیان موضوع هم نیست، چون می داند در حال ذبح در مکه است، پس نسیان حکم بوده است؛

اشکالش این که این روایت در خصوص ذبح به مکه وارد شده است و مکه بالاخره منحر است ولو در عمره مفرده و نمی توان از آن به غیر مکه تعدی نمود.

لذا به نظر ما اجزاء ذبح خارج از منی حتی از روی جهل قصوری یا نسیان، مشکل است.

ان قلت: فاشتری بمکة ثم ذبح، نگفته ثم ذبح بمکة، بلکه شاید ذبح ذبحا واجدا للشرائط باشد.

قلت: این خلاف ظاهر است، ظاهر این عبارت این است که در خود مکه ذبح کرده است.

نکته آخر

## کلامی از محقق خویی: خروج از احرام قبل از ذبح

محقق خوئی فرموده کسی که از ذبح تا آخر ذی الحجة در منی متمکن است، می تواند فقط در روز عید حلق یا تقصیر کند و از احرام خارج شود. (ولی اگر به روز بعد بیندازد، تا ذبح نکند نمی تواند حلق یا تقصیر کند.)

### مناقشه

ما به ایشان اشکال کردیم که بر فرض که حلق و تقصیر جایز باشد، و ترتیب ملغی باشد، اما صحیحه معاویة بن عمار می گوید: مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا ذَبَحَ الرَّجُلُ وَ حَلَقَ- فَقَدْ أَحَلَّ مِنْ كُلِّ شَيْ‌ءٍ أَحْرَمَ مِنْهُ إِلَّا النِّسَاءَ وَ الطِّيبَ ... [[9]](#footnote-9)

روایت می فرماید ذبح و حلق هر دو با هم سبب احلال است و صرف حلق برای احلال کافی نیست.

ان قلت: در معتبره یونس بن یعقوب آمده: وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع فَقُلْتُ- الْمُتَمَتِّعُ يُغَطِّي رَأْسَهُ إِذَا حَلَقَ- فَقَالَ يَا بُنَيَّ حَلْقُ رَأْسِهِ أَعْظَمُ مِنْ تَغْطِيَتِهِ إِيَّاهُ.[[10]](#footnote-10)

پس اگر حلق و تقصیر در روز عید و لو قبل از ذبح مشروع باشد، تغطیة الراس که خصوصیت ندارد و سایر محرمات هم حلال خواهد بود.

قلت:

اولا: تعدی به دیگر محرمات احرام دلیل می خواهد، ما احتمال خصوصیت می دهیم.

ثانیا: استظهار ما از معتبره این است که حضرت تقریب عرفی برای دفع این استیحاش فرموده که چگونه با این که هنوز طواف و سعی نکرده، می تواند تغطیه کند؟! و حضرت می فرماید حلق راس که کرده و آن که مهمتر از تغطیه است، اما ظهور در بیان ملازمه شرعیه ندارد، چون وقتی هنوز حلق نکرده ایم، اما اعمال قبلی را انجام داده ایم، حلق بر ما جایز است، طبق این ملازمه شرعیه باید گفته شود حلق جایز است و به ملازمه، تغطیه راس هم جایز است، در حالی که این عرفی نیست.

لذا الاحوط ان لم یکن اقوی این است که تا ذبح واقع نشود، محرمات احرام بر محرم حلال نمی شود.

1. [وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 177؛ 44 باب أن من عدم الهدي و وجد الثمن وجب أن يخلفه عند ثقة يشتريه و يذبحه في ذي الحجة و إلا فمن قابل فيه و من وجد الثمن بعد أيام الذبح صام ؛ ج 14، ص : 176](http://lib.eshia.ir/11025/14/177) [↑](#footnote-ref-1)
2. [وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 117؛ 18 باب أنه لا يجزئ الهدي الواحد في الواجب إلا عن واحد و يجزئ في المندوب كالأضحية عن خمسة و عن سبعة و عن سبعين و يستحب قلة الشركاء فيه ؛ ج 14، ص : 117](http://lib.eshia.ir/11025/14/117) [↑](#footnote-ref-2)
3. [وسائل الشيعة؛ ج‌10؛ 373؛ 3 باب أن من وجب عليه صوم شهرين متتابعين فأفطر لعذر بنى و لغير عذر استأنف إلا أن يصوم شهرا و من الثاني و لو يوما فيبني ؛ ج 10، ص : 371](http://lib.eshia.ir/11025/10/373) [↑](#footnote-ref-3)
4. [وسائل الشيعة؛ ج‌10؛ 385؛ 11 باب أن من نذر أن يصوم حتى يقوم القائم لزمه و وجب عليه صوم ما عدا الأيام المحرمة ؛ ج 10، ص : 384](http://lib.eshia.ir/11025/10/385) [↑](#footnote-ref-4)
5. [وسائل الشيعة؛ ج‌11؛ 217؛ 2 باب كيفية أنواع الحج و جملة من أحكامها ؛ ج 11، ص : 212](http://lib.eshia.ir/11025/11/217) [↑](#footnote-ref-5)
6. [وسائل الشيعة؛ ج‌7؛ 462؛ 21 باب استحباب التكبير في الأضحى عقيب خمس عشرة صلاة بمنى إلا أن ينفر في النفر الأول فيقطعه و عقيب عشر بغيرها أولها ظهر يوم النحر و كيفية التكبير ؛ ج 7، ص : 457](http://lib.eshia.ir/11025/7/462) [↑](#footnote-ref-6)
7. [سوره بقره، آيه 196.](http://lib.eshia.ir/17001/1/30/%D8%AA%D8%AD%D9%84%D9%82%D9%88%D8%A7) [↑](#footnote-ref-7)
8. [وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 156؛ 39 باب وجوب الابتداء بالرمي ثم بالذبح ثم الحلق فإن خالف ناسيا أو جاهلا أو عامدا أجزأه ؛ ج 14، ص : 155](http://lib.eshia.ir/11025/14/156) [↑](#footnote-ref-8)
9. [وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 232؛ 13 باب أن المتمتع إذا حلق حل له كل ما سوى الطيب و النساء و الصيد و باقي مواضع التحلل ؛ ج 14، ص : 232](http://lib.eshia.ir/11025/14/232) [↑](#footnote-ref-9)
10. [وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 235؛ 13 باب أن المتمتع إذا حلق حل له كل ما سوى الطيب و النساء و الصيد و باقي مواضع التحلل ؛ ج 14، ص : 232](http://lib.eshia.ir/11025/14/235) [↑](#footnote-ref-10)